





دانشگاه پیام نور

دانشکده ی علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته ی زبان شناسی همگانی

گروه زبان شناسی و آموزش زبان فارسی

عنوان:

مطالعه ی صرفی- واژگانی گویش سبزواری

استاد راهنما:

دکتر آرزو نجفیان

استاد مشاور:

دکتر بلقیس روشن

پژوهشگر:

رضوان قلعه نوی

زمستان ۱۳۹۲

تقدیر و تشکر

خداوند بزرگ را شاکرم که چون همیشه یاریم رساند تا بتوانم پایان نامه ام را به پایان برسانم.

بر خود لازم می دانم که از زحمات بی دریغ استاد راهنمای بسیار عزیز و گرانقدرم سرکار خانم دکتر آرزو نجفیان که در بخش بخش این پژوهش از هیچ کمکی دریغ نفرمودند، از صمیم قلب تشکر کنم. از سرکار خانم دکتر بلقیس روشن نیز که با وجود تمام مشکلات و گرفتاری هایشان، مشاوره ی این پایان نامه را پذیرفتند و مرا در انجام آن یاری رساندند صمیمانه سپاسگذارم.

نیز، مراتب قدردانی خود را نسبت به استاد محترم، جناب آقای دکتر احمدخانی - مدیر گروه زبان شناسی - و سرکار خانم عنایتی - کارشناس محترم گروه - اعلام می دارم.

شایسته است از تمام عزیزان و گویشوران محترم؛ خواهران محترم دولت آبادی و نیز خواهر عزیزتر از جانم که صبورانه مرا در جمع آوری اطلاعات گویشی لازم برای این پژوهش یاری نمودند، تشکر و قدردانی شود.

تشکر از همکاری های خوب کارکنان کتابخانه ی "شهید ناوی" شهر سبزوار که مرا در جست و جو و یافتن برخی منابع یاری دادند، را لازم می دانم.

در پایان لازم است از پدر و مادر عزیزم، همسر مهربانم و فرزندان گلم که در تمام این مدت با صبر و شکیبایی هر چه تمام تر مرا در به انجام رسانیدن این تحقیق یاری نمودند و مشوقم بودند، تشکر نمایم.

تقدیم به:

مادر و پدرم

همسر و فرزندان عزیزم

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ل-م	فهرست همخوان ها و واژه های گویش سبزواری
۱	چکیده
۲	فصل ۱: کلیات پژوهش
۳	۱-۱- مقدمه
۴	۲-۱- بیان مسئله
۵	۳-۱- سوال های تحقیق
۵	۴-۱- فرضیه های تحقیق
۵	۵-۱- سابقه و ضرورت تحقیق
۷	۶-۱- نوع و روش تحقیق
۷	۷-۱- روش گرد آوری پیکره ی زبانی
۸	۸-۱- روش نمونه گیری
۹	۹-۱- روش تجزیه و تحلیل
۹	۱۰-۱- جمع بندی
۱۰	فصل ۲: جغرافیای گویش و پیشینه ی پژوهش
۱۱	۱-۲- مقدمه
۱۱	۲-۲- موقعیت جغرافیایی، تاریخی و جامعه شناختی مکان گویش
۱۱	۱-۲-۲- جغرافیای تاریخی استان
۱۲	۲-۲-۲- جغرافیای طبیعی سبزوار
۱۳	۳-۲-۲- گذشته ی سبزوار
۱۳	۴-۲-۲- زبان و مذهب
۱۴	۵-۲-۲- جمعیت سبزوار
۱۴	۶-۲-۲- آثار باستانی و تاریخی سبزوار
۱۵	۳-۲- مفهوم گویش

۱۷	۴-۲- گویش های خراسانی
۱۹	۵-۲- پیشینه ی تحقیق
۱۹	۱-۵-۲- احمد شفایی (۱۳۶۵)
۱۹	۲-۵-۲- محتشم (۱۳۷۵)
۱۹	۳-۵-۲- محتشم (۱۳۷۸)
۲۰	۴-۵-۲- ابوالفضل بروغنی (۱۳۸۱)
۲۰	۵-۵-۲- فاطمه بروغنی (۱۳۸۳)
۲۱	۶-۵-۲- استاجی (۱۳۸۵)
۲۱	۷-۵-۲- الداغی (۱۳۸۹الف)
۲۲	۸-۵-۲- الداغی (۱۳۸۹ب)
۲۲	۹-۵-۲- ابوالفضل بروغنی (۱۳۹۱)
۲۳	۱۰-۵-۲- آرزو نجفیان (۱۳۹۱)
۲۳	۵-۲- جمع بندی
۲۴	فصل ۳: مبانی نظری پژوهش
۲۵	۱-۳- مقدمه
۲۵	۲-۳- ساختواژه
۲۷	۳-۳- تکواژ
۲۹	۱-۳-۳- تکواژ واژگانی (قاموسی)
۲۹	۲-۳-۳- واژه های دستوری (نقشی)
۳۰	۳-۳-۳- تکواژهای اشتقاقی
۳۰	۴-۳-۳- تکواژهای تصریفی
۳۱	۴-۳- واژه بست
۳۳	۵-۳- وندها
۳۴	۱-۵-۳- وندهای تصریفی
۳۶	۲-۵-۳- وندهای اشتقاقی
۳۶	۱-۲-۵-۳- پیشوندهای فعلی
۳۷	۲-۲-۵-۳- پیشوندهای غیر فعلی

۳۸	۳-۲-۵-۳- پسوندهای غیر فعلی
۴۴	۳-۶- شبه وندها
۴۶	۳-۷- واژه سازی
۴۹	۳-۸- مهم ترین فرایندهای واژه سازی زبان فارسی
۵۰	۳-۸-۱- فرایند اشتقاق
۵۱	۳-۸-۲- فرایند ترکیب
۵۳	۳-۸-۳- فرایند ترکیب و اشتقاق
۵۴	۳-۸-۴- فرایند تکرار
۵۸	۳-۸-۵- واژه سازی بدیع
۵۸	۳-۸-۶- فرایند تبدیل (اشتقاق صفر)
۵۹	۳-۸-۷- فرایند کوتاه سازی
۵۹	۳-۸-۸- فرایند ترخیم
۵۹	۳-۸-۹- فرایند پسین سازی
۶۰	۳-۸-۱۰- فرایند اختصار سازی
۶۰	۳-۸-۱۱- سرواژه سازی
۶۰	۳-۸-۱۲- فرایند آمیزش
۶۱	۳-۸-۱۳- گسترش استعاری
۶۱	۳-۹- انضمام
۶۳	۳-۱۰- تصریف
۶۳	۳-۱۱- نوع دستوری واژه ها در زبان فارسی
۶۳	۳-۱۱-۱- اسم
۶۳	۳-۱۱-۱-۱- شمار اسم
۶۵	۳-۱۱-۱-۲- شناسه ی اسم
۶۶	۳-۱۱-۱-۳- ساخت اسم
۶۶	۳-۱۱-۱-۴- طبقه ی اسم
۶۷	۳-۱۱-۱-۵- حالت
۶۷	۳-۱۱-۲- تصریف فعل
۶۷	۳-۱۱-۲-۱- فعل

۶۸	۳-۱۱-۲-۲- زمان فعل
۶۸	۳-۱۱-۲-۲-۱- فعل ماضی
۶۸	۳-۱۱-۲-۲-۱-۱- ماضی ساده یا مطلق
۶۸	۳-۱۱-۲-۲-۲- ماضی استمراری
۶۹	۳-۱۱-۲-۲-۳- ماضی نقلی ساده
۶۹	۳-۱۱-۲-۲-۴- ماضی نقلی استمراری
۶۹	۳-۱۱-۲-۲-۵- ماضی بعید
۶۹	۳-۱۱-۲-۲-۶- ماضی التزامی
۶۹	۳-۱۱-۲-۲-۲- فعل مضارع
۶۹	۳-۱۱-۲-۲-۱- مضارع اخباری یا فعل حال ساده
۷۰	۳-۱۱-۲-۲-۲-۲- حال التزامی
۷۰	۳-۱۱-۲-۲-۳-۲- حال استمراری
۷۰	۳-۱۱-۲-۲-۳- فعل آینده (مستقبل)
۷۰	۳-۱۱-۲-۳- شخص و شمار فعل
۷۱	۳-۱۱-۲-۴- ساختمان فعل
۷۱	۳-۱۱-۲-۴-۱- فعل های ساده
۷۱	۳-۱۱-۲-۴-۲- فعل های پیشوندی
۷۱	۳-۱۱-۲-۴-۳- فعل های پیشوندی مرکب
۷۱	۳-۱۱-۲-۴-۴- فعل های مرکب
۷۲	۳-۱۱-۲-۵- عبارت های فعلی
۷۲	۳-۱۱-۲-۶- فعل های لازم یک شخصه
۷۲	۳-۱۱-۳- صفت
۷۲	۳-۱۱-۱- صفات پیشین

۷۲	۳-۱۱-۲-۳-صفت پسین
۷۳	۳-۱۱-۳-۲-۱-درجه بندی صفت های پسین
۷۳	۳-۱۱-۴-ضمیر
۷۳	۳-۱۱-۴-۱-ضمیر شخصی
۷۴	۳-۱۱-۴-۲-ضمیر مشترک
۷۴	۳-۱۱-۴-۳-ضمیر اشاره
۷۴	۳-۱۱-۴-۴-ضمیر پرسشی
۷۴	۳-۱۱-۴-۵-ضمیر مبهم
۷۴	۳-۱۱-۵-قید
۷۵	۳-۱۱-۵-۱-اقسام قید (از جهت مقوله ی دستوری)
۷۵	۳-۱۱-۵-۱-۱-قید مختص
۷۵	۳-۱۱-۵-۲-۱-قیدهای بی نشانه یا مشترک
۷۵	۳-۱۱-۵-۲-۵-اقسام قید از جهت ساخت
۷۶	۳-۱۱-۵-۳-اقسام قید از جهت مفهوم
۷۷	۳-۱۱-۶-حرف
۷۷	۳-۱۱-۶-۱-حروف ربط
۷۷	۳-۱۱-۶-۲-حروف اضافه
۷۷	۳-۱۱-۶-۳-حروف نشانه
۷۷	۳-۱۱-۷-شبه جمله یا صوت
۷۸	۳-۱۲-جمع بندی
۷۹	فصل ۴: روش تحقیق و طبقه بندی داده ها
۸۰	۴-۱-مقدمه
۸۰	۴-۲-نکاتی درباره ی آواشناسی گویش سبزواری
۸۲	۴-۳-برخی فرایندهای ساختواژی- واجی گویش سبزواری

۸۶	۴-۴- صرف اشتقاقی گویش سبزواری
۸۶	۴-۴-۱- پیشوندهای اشتقاقی فعلی
۸۸	۴-۴-۲- پیشوندهای غیر فعلی
۹۰	۴-۴-۳- پسوندهای غیر فعلی
۹۸	۴-۴-۴- شبه وند ها
۹۹	۴-۵- واژه بست های گویش سبزواری
۱۰۳	۴-۶- واژه سازی در گویش سبزواری
۱۰۳	۴-۶-۱- تکرار در گویش سبزواری
۱۰۸	۴-۶-۲- ابداع در گویش سبزواری
۱۰۸	۴-۶-۳- فرایند تبدیل (اشتقاق صفر)
۱۰۸	۴-۶-۴- فرایند کوتاه سازی
۱۰۹	۴-۶-۵- فرایند ترخیم
۱۰۹	۴-۶-۶- اختصار در گویش سبزواری
۱۰۹	۴-۶-۷- ادغام / آمیزش در گویش
۱۱۰	۴-۶-۸- گسترش استعاری
۱۱۰	۴-۶-۹- نام آواها در گویش سبزواری
۱۱۷	۴-۶-۱۰- انضمام
۱۱۷	۴-۶-۱۱- وامگیری در گویش سبزواری
۱۱۸	۴-۶-۱۲- اشتقاق از نام افراد
۱۱۸	۴-۶-۱۳- اتباع در گویش سبزواری
۱۲۱	۴-۷- تصریف در گویش سبزواری
۱۲۱	۴-۷-۱- اجزاء کلام / مقوله های نحوی در گویش سبزواری
۱۲۱	۴-۷-۱-۱- تصریف اسم در گویش سبزواری
۱۲۱	۴-۷-۱-۱-۱- اسم جامد / مشتق
۱۲۱	۴-۷-۱-۱-۲- اسم خاص / عام
۱۲۱	۴-۷-۱-۱-۳- اسم معرفه و نکره
۱۲۳	۴-۷-۱-۱-۴- اسم مفرد / جمع / اسم جمع
۱۲۴	۴-۷-۱-۱-۵- اسم مذکر / مونث / خنثی

۱۲۵	۲-۱-۷-۴- اسم ساده / اسم غیر ساده
۱۲۵	۱-۲-۱-۷-۴- اسم ساده
۱۲۵	۲-۲-۱-۷-۴- اسم غیر ساده
۱۲۵	۱-۲-۲-۱-۷-۴- اسم مشتق
۱۲۵	۲-۲-۲-۱-۷-۴- اسم مرکب
۱۲۶	۳-۲-۲-۱-۷-۴- اسم مشتق مرکب
۱۲۶	۲-۱-۷-۴- تصریف فعل در گویش سبزواری
۱۲۶	۱-۲-۱-۷-۴- بن فعل در گویش
۱۲۷	۲-۲-۱-۷-۴- شناسه در گویش سبزواری
۱۲۸	۳-۲-۱-۷-۴- فعل امر در گویش سبزواری
۱۲۸	۴-۲-۱-۷-۴- فعل معلوم و مجهول در گویش سبزواری
۱۲۹	۵-۲-۱-۷-۴- فعل لازم / متعدی در گویش سبزواری
۱۲۹	۶-۲-۱-۷-۴- ساختمان فعل در گویش سبزواری
۱۲۹	۱-۶-۲-۱-۷-۴- فعل ساده
۱۳۰	۲-۶-۲-۱-۷-۴- فعل مرکب
۱۳۰	۳-۶-۲-۱-۷-۴- فعل پیشوندی
۱۳۲	۴-۶-۲-۱-۷-۴- تکواژ سببی ساز - افعال سببی
۱۳۲	۷-۲-۱-۷-۴- زمان فعل در گویش سبزواری
۱۳۳	۱-۷-۲-۱-۷-۴- افعال گذشته
۱۳۹	۲-۷-۲-۱-۷-۴- فعل های زمان حال
۱۴۲	۳-۷-۲-۱-۷-۴- فعل زمان آینده
۱۴۳	۳-۱-۷-۴- صفت
۱۴۳	۱-۳-۱-۷-۴- بررسی صفات از دیدگاه معنی
۱۴۳	۱-۱-۳-۱-۷-۴- صفت توصیفی
۱۴۳	۲-۱-۳-۱-۷-۴- صفت عددی یا شمارشی
۱۴۵	۳-۱-۳-۱-۷-۴- صفت اشاره ای
۱۴۵	۴-۱-۳-۱-۷-۴- صفت پرشی
۱۴۵	۵-۱-۳-۱-۷-۴- صفت مبهم

۱۴۶	۴-۷-۱-۳-۲- بررسی صفات از دید سنجش
۱۴۷	۴-۷-۱-۳-۳- جایگاه صفت
۱۴۸	۴-۷-۱-۳-۳-۱- صفات پسین
۱۴۹	۴-۷-۱-۳-۴- صفات از دیدگاه ساختمان
۱۴۹	۴-۷-۱-۳-۴-۱- صفات ساده
۱۴۹	۴-۷-۱-۳-۴-۲- صفات مرکب
۱۴۹	۴-۷-۱-۳-۴-۳- صفات مشتق
۱۴۹	۴-۷-۱-۳-۴-۴- صفت مشتق مرکب
۱۵۰	۴-۷-۱-۴- ضمیر در گویش سبزواری
۱۵۰	۴-۷-۱-۴-۱- ضمیر شخصی
۱۵۱	۴-۷-۱-۴-۲- ضمیر مشترک
۱۵۳	۴-۷-۱-۴-۳- ضمیر اشاره
۱۵۳	۴-۷-۱-۴-۴- ضمیر پرسشی
۱۵۴	۴-۷-۱-۴-۵- ضمیر مبهم یا نامشخص
۱۵۴	۴-۷-۱-۴-۶- ضمیر متقابل
۱۵۵	۴-۷-۱-۵- قید در گویش سبزواری
۱۵۶	۴-۷-۱-۵-۱- قیدهای نشانه دار
۱۵۶	۴-۷-۱-۵-۲- قیدهای بی نشانه
۱۶۰	۴-۷-۱-۶- حرف در گویش سبزواری
۱۶۴	۴-۷-۱-۷- اصوات / شبه جمله در گویش سبزواری
۱۶۶	۴-۸- جمع بندی
۱۶۷	فصل ۵: نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۶۸	۵-۱- مقدمه
۱۶۹	۵-۲- یافته های پژوهش
۱۶۹	۵-۲-۱- یافته های پژوهش در حوزه ی صرف گویش سبزواری
۱۷۹	۵-۳- رد یا تایید فرضیه های تحقیق
۱۸۰	۵-۴- پیشنهاد های تحقیق
۱۸۱	کتابنامه

۱۸۱	منابع فارسی
۱۸۲	منابع انگلیسی
۱۸۵	پیوست
۱۹۷	واژه نامه
۱۹۷	واژه نامه ی فارسی - انگلیسی
۲۰۰	واژه نامه ی انگلیسی - فارسی
۲۰۳	واژه نامه ی سبزواری - فارسی
۲۱۵	چکیده ی انگلیسی

علائم آوانگاری همخوانی

مثال گویشی	معادل حرفی	علائم آوایی
بچه / bča /	ب	b
پدر / pijar /	پ	p
تب / taw /	ت - ط	t
اسپند / səban /	ث - س - ص	s
پالان / ʃol /	ج	ʃ
روسری / čar-qad /	چ	č
همش - همیشه / he(a)maj /	ه (چاکنایی)	h
صدای سگ / ħow - ħow /	ح (حلقومی)	ħ
کھیر / xeter /	خ	x
زنبور / dend /	د	d
غلیظ / zaft /	ذ - ز - ض - ظ	z
صورت / ri /	ر	r
خجالتی / šerm-uk /	ش	š
سر شیر / qejmaq /	ق - غ	q
دشنام / faš /	ف	f
انگشت کوچک دست یا پا / kilik /	ک	k
چاق / gemb-ow /	گ	g
تار مو / lax /	ل	l
آشپزخانه / modbax /	م	m
تشک / ne:li /	ن	n
دعوت / dəvada /	و	v
یک لحظه / jak-kelle /	ی	j
لباس نو / ʔara /	ع - همزه	ʔ
سبزوار / sebz-o-war /، هوو، /wosni /	واو دولبی	w

علائم آوانگاری واکه ای

علائم آوایی	توصیفات آوایی	مثال گویشی
a	واکه ی پیشین و باز	بد / bad /
a:	واکه ی پیشین و باز و کشیده	بعد، / ba:d / / دعوا / da:va /
e	واکه ی پیشین و نیم بسته	ember- nsara / / مدفوع الاغ
e:	واکه ی پیشین و نیم بسته و کشیده	se:r / / سیر (ضد گرسنه)
o	واکه ی پسین و نیم بسته	tolaq-borat / / طلاق
o:	واکه ی پسین و نیم بسته و کشیده	ko:na / / کهنه، / mo:r-a / / مهره
ɑ	واکه ی پسین و باز	ʔakəla / / آفتی که به هندوانه، خربزه و خیار می زند. (برای نفرین هم به کار می رود.)
ɑ:	واکه ی پسین و باز و کشیده	ka:- du / / کاهدان
ə	واکه ی مرکزی و نیم بسته	pəlaš / / کثیف
i	واکه ی پیشین و بسته	miʃa / / مژه
u	واکه ی پسین و بسته	qend-u / / قندان
aw	واکه ی مرکب	bed-naws / / بد نفس، شکمو
aj	واکه ی مرکب	vaj / / ری کردن
aw	واکه ی مرکب	ʔawla / / آبله
ow	واکه ی مرکب	kowli / / کولی
oj	واکه ی مرکب	ča-xoj / / چاه کن
ej	واکه ی مرکب	mejdu / / میدان
uj	واکه ی مرکب	ne-šuj / / نشسته و کثیف / muj / / مو،
aj	واکه ی مرکب	pej-daj / / پای دیوار، maj kerd-an / / مایه زدن شیر

چکیده

گویش های امروزی خراسان وارثان برحق زبان دری محسوب می شوند. گنجینه ی این گویش ها و زبان ها و گویش های دیگری که در طول زمان و به تدریج به سرزمین خراسان راه یافته اند، غنای بسیار زیادی به فرهنگ و تمدن این سرزمین بخشیده است. گویش مردم سبزوار از مجموعه گویشهای خراسانی است. قلمرو این گویش شهر سبزوار در استان خراسان رضوی است که علی رغم شباهت ها، تفاوت های اساسی با سایر گویش های خراسانی دارد. پایان نامه ی حاضر در راستای معرفی بیشتر این گویش با اتخاذ روش تحلیلی- توصیفی به تبیین و توصیف ساختمان صرفی گویش سبزواری پرداخته است. داده های این گویش از چند طریق جمع آوری شده است: ۱) شمّ زبانی خود پژوهشگر که در یک خانواده ی سبزواری بزرگ شده است. ۲) ثبت و ضبط گفتار تعدادی از گویشوران سبزواری از طریق مصاحبه ی مستقیم و کمک گرفتن از پرسشنامه ی گویشی دکتر کلباسی، و همچنین فرم گویشی فرهنگستان زبان که شامل فهرست مفصلی از واژه ها، عبارات و ساختارهای زبانی است. ۳) منابع مکتوب درباره ی این گویش از جمله پایان نامه ها، مقالات و نیز کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده اند. پس از جمع آوری داده ها و تجزیه و تحلیل آنها و ارائه ی توصیفی جامع از ساختار ساختوازی گویش سبزواری، میان اطلاعات به دست آمده و زبان فارسی معیار مقایسه ای صورت گرفت. نتایج نشان دادند که نظام ساختوازی گویش سبزواری علاوه بر اینکه اشتراکات زیادی با نظام ساختوازی فارسی معیار دارد، ویژگی های منحصر به فرد و کهنی نیز دارد و از امکانات خاصی نیز برای واژه سازی بهره می گیرد.

کلمات کلیدی:

گویش سبزواری- خراسان - ساختواژه - اشتقاق - ترکیب - تصریف

فصل اول

کلیات پژوهش

زبان ها و گویش های ایرانی که در ادوار مختلف تاریخی در جای جای سرزمین پهناور ایران رواج داشته اند میراثی غنی و کهن را شکل داده اند که منعکس کننده ی بخش مهمی از تغییرات و تحولات تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، ادبی و سیاسی این مرزوبوم است. امروزه با گسترش آموزش همگانی و رسانه های گروهی و مهاجرت روستائیان، کم کم زبان رسمی جایگزین گویش ها و زبان های محلی شده و این زبانها و گویش ها با شتابی سرسام آور رو به نابودی است.

سرزمین کهن و گسترده ی خراسان یکی از پر تنوع ترین حوزه ها برای مطالعات گویش شناختی است. اهمیت این حوزه زمانی بیشتر آشکار می شود که بدانیم زبان فارسی در این منطقه در تمامی ادوار تاریخی خود همواره از جایگاه ویژه و استواری برخوردار بوده است. در چنین زمینه ی زبانی، ادبا و شعرای برجسته ای چون رودکی، رابعه ی بلخی، فردوسی، دقیقی، ابوسعید ابوالخیر، عطار نیشابوری، سنایی، جلال الدین محمد بلخی و..... رشد یافته و بالیده اند. از سوی دیگر مولد و موطن بسیاری از دانشمندان، حکما و فلاسفه ی بزرگ، نظیر ابن سینا، ابوریحان بیرونی، خوارزمی، خیام نیشابوری، فارابی، غزالی، ملاحادی سبزواری و ... نیز خراسان بوده است. آثار مکتوب بر جا مانده از این بزرگان، متناسب با دوره تاریخی ای که در آن زیسته اند دربردارنده ی واژه ها و ساخت های زبانی ویژه و متنوعی است که در حال حاضر در زبان فارسی معیار دیده نمی شود اما خوشبختانه هنوز هم توسط گویشوران بسیاری از گویش های منطقه ی خراسان مورد استفاده قرار می گیرد. لذا مطالعه هر کدام از گویشهای این منطقه می تواند در باز شناسی این بخش از گنجینه ی زبان فارسی نقشی اساسی داشته باشد. از سوی دیگر مطالعه ی این گویش ها هم به غنای زبان معیار می افزاید و هم محققان را در شناسایی گذشته ی زبان فارسی و سیر تحولات آن یاری خواهد کرد. (نجفیان، ۱۳۹۱: سه و چهار)

مطالعات گویش شناسی از هر نوعی به ویژه مطالعه ی توصیفی هر یک از سطوح زبانی این گویشها می تواند در حفظ و مکتوب کردن این میراث کهن بسیار موثر باشد به علاوه حاصل مطالعات گویشی می تواند در حل مشکلات واژه شناختی و دستوری زبان فارسی و درک بیشتر متون قدیمی زبان فارسی مثمرتر باشد. افزون بر این استفاده از الگوهای گویشی در ساخت واژه های نو می تواند متخصصین حوزه ی واژه سازی را در فرهنگستان زبان و دیگر نهادهای ذیربط یاریگر باشد.

گویش شناسی یکی از شاخه های علمی زبان شناسی است که هدف آن گردآوری گویش ها و توصیف علمی آنها می باشد. پژوهش حاضر بر مبنای اصول این شاخه از زبان شناسی بر آن بوده است تا توصیفی دقیق و جامع از ساختارهای یکی از گویش های کهن منطقه ی خراسان - گویش سبزواری - ارائه دهد.

در بخش نخست به کلیات تحقیق و طرح مسئله پرداخته شده، فصل دوم به مبانی مورد نیاز پژوهش و پیشینه‌ی مطالعات مرتبط با موضوع را بررسی کرده است. بخش سوم به روش تحقیق یعنی نحوه‌ی گردآوری اطلاعات، ابزار تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته است. در بخش چهارم توصیفی دقیق از ساختارهای گویش سبزواری بر مبنای مفاهیم پایه مطرح شده در بخش دوم ارائه شده و در بخش پنجم نیز پس از جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فرضیه‌های پژوهش به محک‌آزمون گذاشته شده و در نهایت پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی ارائه گردیده است.

۱-۲- بیان مسئله

گویش‌های متعددی که در سرزمین خراسان رایج است نظیر قانتی، بیرجندی، سبزواری، نیشابوری و غیره، از جمله میراث داران بزرگ و برحق زبان فارسی محسوب می‌شوند. شناخت و توصیف دقیق هر یک از این گویش‌ها می‌تواند چشم‌اندازی روشن از تاریخ تحولات زبان فارسی و گونه‌های آن، در اختیار محققان و زبان‌شناسان علاقمند به این حوزه قرار دهد. گویش مورد مطالعه‌ی پژوهش حاضر، گویش سبزواری است. تا کنون پایان‌نامه‌ها و آثاری متعدد در مورد این گویش نوشته شده است که به جنبه‌های مختلفی از گویش سبزواری پرداخته‌اند. اما در هر کدام از آن‌ها به جنبه‌ی صرفی و واژگانی این گویش یا به طور مختصر اشاره شده و یا اصلاً سخنی در این مورد به میان نیامده است. با توجه به این که در حوزه‌ی صرفی و واژگانی این گویش پژوهشی جامع صورت نگرفته، پژوهش حاضر بر آن است تا توصیفی دقیق از حوزه‌ی صرفی گویش سبزواری ارائه کند. در این حوزه به مطالعه‌ی ساختمان درونی واژه‌ها و فرایندهای واژه‌سازی می‌پردازیم. می‌دانیم که حوزه‌ی صرفی به دو زیرشاخه‌ی تصریف و واژه‌سازی تقسیم می‌شود. فرایندهای مهمی چون اشتقاق و ترکیب بیشترین سهم را در واژه‌سازی بر عهده دارند. (بوئیچ^۱، ۲۰۰۵: ۵) راههای دیگری به غیر از اشتقاق، ترکیب و انضمام برای واژه‌سازی وجود دارد که یکی از مهمترین آنها تغییر مقوله است. در مقابل، تصریف عبارتند از آماده‌سازی واژه‌ها برای حضور در ساخت‌های نحوی یعنی گروه و جمله، از طریق تغییر در صورت دستوری آنها. (اسپنسر^۲، ۱۹۹۱: ۱۹۳)

پژوهش حاضر در صدد است تا برای ارائه‌ی توصیفی دقیق از صرف گویش سبزواری به سوالات زیر پاسخ دهد:

-
- 1- Geert Booij
 - 2- Andrew Spencer

۱-۳- سوال های تحقیق

- ۱- مقولات تصریف پذیر در گویش سبزواری کدامند؟
- ۲- تحقق های صوری تصریف در مقولات تصریف پذیر گویش سبزواری چیست؟
- ۳- راه های واژه سازی در گویش سبزواری چیست؟
- ۴- پیشوندها و پسوندهای اشتقاقی در گویش سبزواری کدامند؟
- ۵- الگوهای ترکیب در گویش سبزواری چیست؟

۱-۴- فرضیه های تحقیق

- ۱- مقولات تصریف پذیر در گویش سبزواری، همچون زبان فارسی معیار، شامل اسم، فعل، صفت و قید هستند که برخی ساختارها و انواع مختلف آن ها مشترک با زبان معیار و برخی خاص خود گویش هستند.
- ۲- مشخصه های زمان، وجه، نمود، جهت، شخص، شمار و نفی برای فعل، مشخصه های شمار، معرفگی و جاننداری برای اسم و مشخصه ی درجه برای صفت و قید، تحقق های صوری تصریف در این گویش هستند و نمود های گویشی خاص خود را دارند.
- ۳- در گویش سبزواری، از فرایندهای ترکیب و اشتقاق، انضمام و تغییر مقوله در واژه سازی استفاده می شود که هر یک از آن ها نمودهای گویشی خاص خود را دارند.
- ۴- تعدادی از پسوندهای اشتقاقی گویش سبزواری با فارسی معیار مشترک و برخی دیگر مختص خود گویش هستند.
- ۵- کلمات مرکب، حاصل پیوند اسم و اسم، صفت و اسم، اسم و صفت، اسم و اتباع^۱، و قید و اسم هستند.

۱-۵- سابقه و ضرورت تحقیق

زبان علاوه بر اینکه یک وسیله ی ارتباطی است تجلی گاه تمام ابعاد فرهنگی، اجتماعی و تاریخی یک ملت نیز به شمار می آید. بنابراین مرگ یک زبان یا یک گویش خاص، مرگ یک فرهنگ خاص را به دنبال دارد و ضربه ای است که به تنوع فرهنگی، آسیبی جدی و جبران ناپذیر وارد می کند. از سوی دیگر میان ذهن و زبان رابطه ای مستقیم برقرار است که نابودی هر زبان یا گویش، بخشی از مجموعه ی متنوع اندیشه و تفکرهای انسان را نیز از میان می برد. انسان می خواهد در مسیر خلق فرآورده های فکری، از قدرت تفکر خویش استفاده ی کامل برد و این مهم بدون وجود تنوع فرهنگی میسر نخواهد بود، چرا که تنوع فرهنگ، مسیرهای فکری